



محمدشاهی جوان

گزارش «جوان» از تشییع پیکر شهید آشوری پس از برگزاری نماز جمعه

## سنگ تمام تهرانی‌ها در تشییع «جانی‌بت‌اوشانا»

تبعاً از آزمایش دی‌ان‌ای در اواسط اسفند ماه سال گذشته اعلام شود او تنها شهید مفقودالامر عملیات بدر «جانی‌بت‌اوشانا» است، اما چون والدین و برادرانش همگی مرحوم شده بودند، پیدا کردن اقوام وی تا اوایل اردیبهشت امسال به طول انجامید. حالا جانی‌بت‌اوشانا که مردم به او لقب «سرباز باغیرت وطن» داده‌اند، از راه رسیده و در تمامی مراسم‌ها چه مراسم وداع با پیکر که چهارشنبه، ششم اردیبهشت در مراسم شهدای تهران برگزار

شد، چه مراسم تشییع‌اش در هفتم اردیبهشت در یادگان ارتش و چه تشییع بعد از برگزاری نماز جمعه تهران، همگی مملو از جمعیتی بود که چه مسلمان، چه مسیحی یا هر دین دیگری، یکدل و یکصدا آمده بودند تا قدرشناسی خود را نسبت به این سرباز باغیرت وطن اعلام کنند. **سپاه‌جانی افتخار آشوریان ایرانی است** صبح روز پنجشنبه هفتم اردیبهشت نیز مراسم تشییع شهید جانی‌بت‌اوشانا در مرکز آموزش ۰۱ شهیدان سرباز نیروی زمینی ارتش با حضور جاننشینان نیروهای چهارگانه ارتش، خوری اسقف‌واتیاسرگیز سرپرست کلیسای کاتولیک تهران، جمعی از فرماندهان عالی رتبه ارتش، جمعی از کشیشان و خانواده‌های آشوری برگزار شد. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی هم طی اطلاعیه‌ای تأکید کرد: «بی‌شک یاد، نام و خاطرات این شهید ارجمند آشوری که در زمره جوانان غیور، غیرت‌مند و بیروآیین مسیحیت موجب افتخار آشوریان ایرانی و دلبستگی دیگر ایرانیان سرفراز با آنان شده است، برای همیشه ماندگار و الهام‌بخش مدافعان وطن و این سرزمین مقدس خواهد بود.»

**بزرگداشت در کلیسای حضرت یوسف(ع) تدفین در اسلامشهر** دیروز (جمعه) پس از تشییع پیکر شهید جانی‌بت‌اوشانا در نماز جمعه تهران که با حضور جمعیت زیادی از مردم و دوستداران شهدا برگزار شد، پیکر این شهید به کلیسای حضرت یوسف(ع) در خیابان انقلاب، خیابان شهید موسوی انتقال داده شد تا پس از انجام مراسم مذهبی خاص آشوری‌های مسیحی، برای تدفین به اسلامشهر و آرامستان آشوریان منتقل شود. اما آن طور که فرمانده سپاه ناحیه اسلامشهر پیش‌تر اعلام کرده بود، بر اساس برنامه‌ریزی انجام‌شده، مراسم تشییع و تدفین پیکر شهید اوشانا روز جمعه ساعت ۱۶ با حضور هموطنان مسیحی و اقلیت‌های مذهبی، شخصیت‌های دینی و مقامات نظامی در کنار اقبشار مختلف مردم انقلابی و شهیدپرور اسلامشهر در آرامستان آشوریان برگزار شد تا به این ترتیب شهیدی که شاید خانواده‌ای نداشته، همه مردم ایران خانواده او شدند و با برگزاری چندین مراسم پرشور و پرجمعیت برای این شهید، به خوبی همدلی و همراهی‌شان را با سرباز باغیرت وطن نشان دادند.



حضور قالیباف در تشییع شهید «جانی‌بت‌اوشانا» در کلیسای حضرت یوسف(ع)

**علیرضا محمدی** نماز جمعه این هفته تهران حال و هوای دیگری داشت. نمازگزارانی که دیروز به رسم مسلمانان خود را به دانشگاه تهران رسانده بودند تا نماز آذینه را به جا آورند، به رسم قدرشناسی و حق‌شناسی، خود را آماده تشییع پیکر شهیدی آشوری کرده بودند که این جلوه‌ای کم‌نظیر از وحدت در حول و عقیده جهاد و شهادت بود.

شهید جانی‌بت‌اوشانا فرزند ایران بود. اگر چه زانه‌ای مدتی که پدر، مادر و سه برادرش (که آرزوی دیدن ازدواج‌شان را داشت) همگی مرحوم شده‌اند، اما چه باک که فرزند وطن، خانواده‌ای به وسعت یک ملت دارد و ظهر دیروز دیدیم چطور بعد از برگزاری نماز جمعه، جمعیت عظیمی با چه شور و غوغایی پیکر این سرباز باغیرت وطن را به سوی منزل آخرش مشایعت کردند. دیروز خیابان انقلاب مملو از جمعیت نمازگزارانی بود که از اقصی نقاط تهران و بلکه شهرهای اطراف خود را به پایتخت رسانده بودند تا پیکر شهید آشوری را به رسم مسلمانان و با مدیحه‌سرایی و گاه سینه‌زنی تشییع کنند. در خیابان انقلاب، مردان و زنان ایرانی فارغ از هر دین و مذهبی، هر کدام به شیوه خود این سرباز وطن را مشایعت می‌کردند و آشک‌های‌شان را نثار خون سرخی کردند که سال‌ها پیش برای سربلندی این مردم و این مرز و بوم در شرق دجله فدا شده بود.

**شهید ۲۰ساله باغیرت وطن** شهید جانی‌بت‌اوشانا متولد سال ۱۳۴۳ است. در ۲۰ سالگی در ۲۳ اسفندماه ۱۳۶۳ به عنوان سرباز، ۵۵ هوارد در منطقه شرق دجله به شهادت رسید و پیکرش قریب ۳۸ سال مفقود بود. عاقبت این سال گذشته پیکر جانی‌بت‌اوشانا هشت شهید دیگر تفحص شد

## این وصیت‌نامه من است

غلامحسین بیبودی

**برده‌اول**

۲۱ اسفندماه ۱۳۶۳ است. دو روز از شروع عملیات بدر گذشته و قرار است رزمنده‌های تیپ ۵۵ هوارد به سمت شرق دجله؛ منطقه‌ای که به آن مأمور شده‌اند، حرکت کنند. آن سوی هور و در ساحل شرقی رودخانه دجله غوغایی برپاست. رزمندگان گلی که به آنجا اعزام می‌شوند، به خوبی می‌دانند که شاید این رفتن را باز گشتی نباشد. جانی‌بت‌اوشانا سرباز آشوری تیپ ۵۵ یکی از همین رزمندگان است. هنوز تا لحظه حرکت ساعتی زمان باقی مانده و او وقت را اغنیمت می‌شمرد و وصیت‌نامه‌اش را برای خانواده بنویسد. خود کار را به دست می‌گیرد و نامه‌اش را با این جمله آغاز می‌کند: «این سطور را در لحظه‌های قبل از حرکت، برای بازپس‌گیری حق و خاک کشورمان به سوی دشمن متجاوز می‌نویسم...» کیلومترها آن طرف‌تر، مادر جانی‌بت‌اوشانا چشم‌انتظار است. دل توی دلش نیست و آرام و قرار ندارد. هر بار که صدای در خانه را می‌شنود، می‌دود طرف در حیاط. اما خبری از جانی‌بت‌اوشانا نیست. دل‌تپ‌هاش سوری پشت در بود و یکی دو نفر دیگر هم رنگ خانه را زدند، اما هیچ‌کدام‌شان ربطی به جانی‌بت‌اوشانا نداشتند.

**برده‌دوم**

جانی‌بت‌اوشانا را تمام می‌کنند و او را به یکی از دوستانش می‌دهد تا به خانواده‌اش برساند. بعد خودش همراه بچه‌های تیپ هوارد به سمت منطقه عملیاتی هلی‌برن می‌شوند. آن بالا هور تماشا می‌است. تا چشم‌کار می‌کند آب است و نیناز و بعد آب و باز هم نیناز... جنگنده‌های دشمن مرتب در منطقه پرواز می‌کنند و برای بالگردهای خودی مزاحمت ایجاد می‌کنند. خیلی خوش شانس باشند، قبل از اینکه به شرق دجله برسند، یکی از همین جنگنده‌ها بالگردشان را مورد اصابت قرار ندهد. در شرق دجله غوغایی برپاست. ایران می‌خواهد باریکه خشکی لقرنه را تصرف و حفظ کند و جاده‌العمار - بصره را ببندد، اما بعضی‌ها خوب می‌دانند از دست دادن این جاده چه معنی‌ای دارد و بدجور فشار می‌آورند. غیر از بعماران شیمیایی و آتش‌تویخانه‌شان که مثل باران می‌بارد، چندده جنگنده‌شان آسمان را فرق کرده‌اند. شاید این رفتن را باز گشتی نباشد.



**برده سوم**

روزها از پایان عملیات بدر گذشته و هنوز خبری از جانی‌بت‌اوشانا نیست. مادر دیگر آرام‌و‌قرار ندارد. گوش‌هایش به صدای در حساس شده و تا آن رامی‌شود، سریع پشت پنجره می‌رود. جانشین برادر جانی‌بت‌اوشانا در روز یکم می‌کند و با یک نفر حرف می‌زند. مادر همین طور که به جانشین و دوستش نگاه می‌کند، منتظر است تا حرف‌های‌شان تمام شود. دقایقی بعد مرد ناشناس می‌رود و جانشین رو به سمت خانه می‌کند. در دست‌هایش یک پاک‌نامه دیده می‌شود. رنگ‌از‌رنگسارش پریده و ناگهان داد می‌زند: «مامان... جانی...»

مادر پاکت نامه را می‌گیرد و های‌های گرمی می‌کند. خواب دیشبش با همین پاکت نامه تعبیر شده است. یکی از رفقای

آشوری جانی‌بت‌اوشانا در جبهه، این نامه را برای‌شان آورده است. زانی یک یادو روز قبل از شهادتش، پاکتی را به او داده و گفته: «این وصیت‌نامه من است. این را به خانواده‌ام برسان». اما دوست جانی‌بت‌اوشانا می‌شود و با تأخیر نامه را به آنها می‌رساند. همین طور اطلاع می‌دهد که جانی‌بت‌اوشانا رسیده اما پیکرش در منطقه جامانده است.

مادر نامه را باز می‌کند و شروع به خواندن می‌کند: «به نام خدا خانواده عزیزتر از جانم، «هنگامی که این کافکارها در دست دارید، امیدوارم که حال‌تان خوب باشد و در کنار هم آن زندگی خوش و خرمی را که همواره در نظر من بوده است، داشته باشید و از عنایات ایزد یکتا و حضرت عیسی مسیح(ع) و حضرت مریم(س) که تنها حامیان مسیحیان به خصوص خانواده‌امی‌باشند، بهره‌مند باشید. این سطور را در لحظه‌های قبل از حرکت برای بازپس‌گیری حق و خاک کشورمان به سوی دشمن متجاوز، برای‌تان می‌نویسم.»

## روایتی از دیدار حضرت آقا با خانواده شهید جانی‌بت‌اوشانا

## شیرینی این شیرینی به جانم می‌نشیند



**داود جعفری** ۱۱ دی‌ماه ۱۳۶۵ مصادف بود با اولین روز سال ۱۹۸۷ میلادی. سال جدید تازه تحویل شده بود و بعد از حدود ۲۲ ماه تلخی و چشم‌انتظاری، مژه شیرینی‌های روی میز پذیرایی به جان جانشین و دوستش نگاه می‌کند، منتظر است تا حرف‌های‌شان تمام شود. دقایقی بعد مرد ناشناس می‌رود و جانشین رو به سمت خانه می‌کند. در دست‌هایش یک پاک‌نامه دیده می‌شود. رنگ‌از‌رنگسارش پریده و ناگهان داد می‌زند: «مامان... جانی...»

مادر پاکت نامه را می‌گیرد و های‌های گرمی می‌کند. خواب دیشبش با همین پاکت نامه تعبیر شده است. یکی از رفقای آشوری جانی‌بت‌اوشانا در جبهه، این نامه را برای‌شان آورده است. زانی یک یادو روز قبل از شهادتش، پاکتی را به او داده و گفته: «این وصیت‌نامه من است. این را به خانواده‌ام برسان». اما دوست جانی‌بت‌اوشانا می‌شود و با تأخیر نامه را به آنها می‌رساند. همین طور اطلاع می‌دهد که جانی‌بت‌اوشانا رسیده اما پیکرش در منطقه جامانده است.

## سرهنگ ابراهیم رنگین رئیس ستاد معراج شهدای مرکز از چگونگی تفحص پیکر شهید جانی‌بت‌اوشانا می‌گوید



## «جانی» تنها شهید آشوری مفقودالامر عملیات بدر بود

**صغری خیل‌فرهنگ** مراسم وداع با پیکر شهید تازه تفحص‌شده دوران دفاع مقدس «جانی‌بت‌اوشانا» عصر چهارشنبه ششم اردیبهشت ۱۴۰۲ با حضور جمعی از مسئولان، خانواده شهدا و هموطنان آشوری در معراج شهدای تهران برگزار شد. شهید جانی‌بت‌اوشانا از شهدای اقلیت‌های مذهبی ۲۳ اسفند سال ۱۳۶۳ در عملیات بدر در شرق دجله به شهادت رسید و جان خود را فدای حفظ تمامیت ارضی کشور ایران کرد. پیکر او سال‌ها مفقود ماند تا نهایتاً پس از گذشت ۳۹ سال از طریق DNA شناسایی شد. برای بررسی روند شناسایی و تفحص پیکر این شهید با سرهنگ ابراهیم رنگین، رئیس ستاد معراج شهدا هم‌کلام شدیم.

**اوشانا و تیپ نواجا** هر مرتبه که خبر شناسایی پیکر شهدای تازه تفحص‌شده به میان می‌آید با سرهنگ رنگین تماس می‌گیرم. در تمام این مدت با آرامش و صبوری خاص همراه‌ام می‌شود تا ما را با خانواده‌های تازه تفحص‌شده آشنا کند. ارتباط می‌دهد و نکات مورد نیاز از نحوه شناسایی شهید، وسایل بر جای مانده و خاطره تفحص پیکر را روایت می‌کند. این بار هم وقتی خبر شناسایی شهید مسیحی جانی‌بت‌اوشانا رسانه‌ای شد، همراه‌ام ماه سرهنگ رنگین از چگونگی تفحص پیکر شهید می‌گوید: «۲۵ آبان ماه سال ۱۴۰۰ بود که آنچه از پیکر شهید «جانی‌بت‌اوشانا» باقی مانده بود همراه با هشت شهید مفقودالامر که از هم‌زمان ایشان بودند، در منطقه عملیاتی بدر در شرق دجله تفحص شد. جالب است که آن روز مصادف بود با وفات حضرت معصومه(س)». وی در ادامه می‌گوید: «شهید اوشانا از نیروهای تیپ ۵۵ هوارد نواجا بود که در عملیات بدر به شهادت رسید و پیکرش ۳۹ سال در گمنامی بود.»

**ازمایش DNA** سرهنگ ابراهیم رنگین از نحوه شناسایی پیکر شهید اوشانا می‌گوید: «بعد از مبادله پیکرها، پیکر شهدای عزیزمان که از منطقه عملیاتی بدر تفحص شده بودند به معراج شهدا انتقال پیدا کردند. بعد کار شناسایی شهدا آغاز شد، اما متأسفانه آنچه از ایشان باقی مانده بود و وسایلی که همراه‌شان بود، چیزی نبود که به شناسایی پیکر کمک کند، از این رو اقدام به نمونه‌برداری کردیم. آمار را بررسی و بعد از طی مراحل مورد نظر متوجه شدیم این پیکر متعلق به شهید جانی‌بت‌اوشانا از شهدای مسیحی است. الحمدلله سال ۱۳۹۷ از برادر ایشان آقای یلسون که در حال حاضر به رحمت خدا رفته‌اند، نمونه‌برداری انجام شده بود.»

**انتظار برای رجعت**

سرهنگ رنگین در ادامه می‌گوید: «مرحله دیگر پیدا کردن خانواده و بستگان شهید بود. بچه‌ها تحقیقات لازم را انجام دادند و متوجه شدیم پدر و مادر و برادر ایشان به رحمت خدا رفته‌اند. با کمک جامعه آشوریان توانستیم اقوام درجه ۲ و ۳ شهید را پیدا کنیم. برای اطلاع رسانی در کلیسای حضرت یوسف(ع) خدمت خانواده و اسقف اعظم، نماینده مجلس و کشیش رسیدیم و خبر شناسایی پیکر شهیدشان را به اطلاع رساندیم. وقتی وارد مجتمع شدیم، تصویر شهید جانی‌بت‌اوشانا را دیدم که نصب شده بود و مزار یادبودی در آرامستان جانم تهیه کرده بودند. این به آن معنا بود که ایشان همگی در انتظار رجعت پیکر شهیدشان بودند. هر چند این امر خیلی دیر محقق شد، اما مردم شهیدپرور و آنهاپی که دل در گرو یاد شهدا دارند، در مراسم تشییع و تدفین شهید مسیحی‌شان شهید جانی‌بت‌اوشانا حضور پیدا کردند و سنگ تمام گذاشتند.»

**مرتبه‌های مادرانه در معراج شهدا**

سرهنگ رنگین در ادامه از حال و هوای وداع با پیکر شهید جانی‌بت‌اوشانا در معراج شهدای تهران می‌گوید: «تعدادی از خانواده‌های شهدا همچون مادر شهید مدافع حرم شهید مجید قربانخانی و مادر شهید مسیحی لازارا اعلام کردند که در معراج شهدا در زمان تشییع شهید جانی‌بت‌اوشانا، مادری کرده و به جای مادر این شهید که اکنون در قید حیات نیستند، برای او مرتبه‌سرایی خواهند کرد. الحمدلله هر چه دیدیم، همه شور و عشق به شهدا بود. تصاویر و لحظات ناب رقم خورد که شاید قلم و دوربین‌ها هرگز نتوانند آن حالات و حسن‌ها را به تصویر بکشند. هر چه بود عزت بود و بزرگی شهیدی که بعد از ۳۹ سال سر بر آورد و قامت راست کرد که اگر چه هم دین و هم آیین ما نبود، اما برای حفظ وطن و دفاع از خاک راهی میدان جهاد شد و مقام شهادت را نصیب خود کرد.»

**مراسم کلیسای حضرت یوسف(ع)**

سرهنگ رنگین در پایان با اشاره به هشت شهید دیگری که همراه شهید اوشانا تفحص شده بودند، می‌گوید: «آبان سال ۱۴۰۰ و هم‌زمان با سالروز وفات حضرت معصومه(س) هشت شهید دیگر همراه شهید اوشانا تفحص شدند که کار شناسایی آن شهدای عزیز هم انجام و شهید آشوری مسیحی بود که در عملیات بدر مفقودالامر شده بود. پیکر شهید جانی‌بت‌اوشانا بعد از تشییع به سمت کلیسای حضرت یوسف(ع) انتقال داده شد که بعد از انجام مراسم و آیین‌های مربوط به خودشان به همت جامعه مسیحیان آشوری در آرامستانی در اسلامشهر تدفین شود.»

شیرینی این شیرینی به جانم می‌نشیند...